

کشف یکی از مدرسه ها یا دانشگاه های تاریخی

در

ماحول بقعه سلطان ابراهیم در غزنی

احمد علی کهزاد

فرستنده: بنیاد فرهنگی کهزاد

یکی از نتایج بسیار مهم و دلچسپ حفريات هیئت باستان شناسی ایتالوی در طی سال های 1337 و 38 کشف بقایای یکی از مدارس یا دانشگاه عصر غزنویست که از نظر تاریخ و فرهنگ و هنر کمال اهمیت دارد و دیدن آن در آینده نه تنها برای سیاحان و جهانگردان خارجی بلکه برای طلاب تاریخ و صنایع مستظرفه و هنر و اهل مطالعه و تتبع فوق العاده مهم خواهد بود.

به فاصله تقریباً سه صد متری جنوب شرق مقبره مسعود سوم، گنبد مخروطی یکی از مزارهای غزنی جلب نظر میکند که عوام آنرا «زیارت سلطان حلقوم» و باسوادها آنرا «بقعه سلطان ابراهیم» میخوانند. در داخل زیارت قبری است بلند و مستطیل شکل و در قسمت غربی آن بشکل محراب پارچه سنگ مرمری که اصلاً سر دریچه بوده در کتیبه آن اسم سلطان مسعود بن ابراهیم واضح خوانده میشود ولی از روی این کتیبه هم ثابت نمیتوان کرد که اینجا بطور یقین آرامگاه سلطان ابراهیم غزنوی باشد مگر اینکه جریان آینده حفريات به دلایل مقنع روشنی جدید بیاندازد.

حفريات از دو سال باینطرف در اطراف همین بقعه ادامه دارد و در اثر جریان کار در خزان سال 1338 ساحه وسیعی از زیر خاک بیرون آورده شده است که در آن شواهد ذیل را ملاحظه میتوان کرد:

- 1- پیش روی بقعه در جناح شرقی حیاط وسیع فرش با پارچه های سنگ مرمر هویدا شده است که طول آن شمالاً جنوباً 42 متر و عرض آن شرقاً غرباً 23 متر میباشد به نحوی که بقعه مذکور درست روی خط محور ضلع طولانی قرار دارد.
- 2- بهر دو طرف بقعه 5 - 5 رواق پیدا شده که قسمت های تحتانی آن به ارتفاع یک و نیم متر هنوز پابرجا است.
- 3- در دیوارهای همین رواقها 42 لوحه یا سنگ نبشته با رسم الخط کوفی جایجا دیده میشود که قرائت آن در آینده روشنی بسیار مهمی در تاریخ آغاز تحول بنا خواهد انداخت.
- 4- در گوشه جنوب غربی بنا محوطه دیگر دیده میشود که محل وضو و غسل و شستشوی طلاب بوده است.
- 5- در ضلع جنوبی میدان سنگ فرش صفا ئی به بلندی 60 سانتی متر وجود دارد که مخصوص شبستان و مناظره طلاب بوده است.

- 6- متصل این صفه جایگاهی برای کتابخانه بوده و دو دوات فلزی نقره کوب نیز از آنجا بدست آمده است.
- 7- دروازه بنا در ضلع شمالی قرار داشت و از مجاورت آن پارچه های بت های سومنات کشف شده است.
- 8- در ضلع شرقی بنا یا حجره هائی وجود داشته و یا محض با دیواری محاط شده بود.
- 9- در کتیبه های الواح سنگی متذکره تا حال نام های محمود و مسعود و القاب السلطان معظم و بوسعید تشخیص شده است.
- 10- روی پارچه های سنگ فرش حیاط بنا علامه هائی ملاحظه میشود که نظیر آن در سومنات هم به مشاهده رسیده و عمل برخی سنگ تراشان و کارگران هندی را تأیید میکند.
- 11- دو عدد کلکین مشبک مرمری هم بدست آمده که در چوکات یکی آن «عمل محمد بن حسن بن مبارک سنه خمس و خمسين مائه» یعنی 505 خوانده میشود.
- 12- در گچ بری های روی قاعده پایه ها و روی برخی از پارچه های سنگ رخام و غیره کلمات «الملک الله» به وضاحت تشخیص میشود.

از مطالعه عواملی که بالا ذکر شد و از پلان عمومی عمارت چنین استنباط میشود که عمارت وسیعی که در ماحول بقعه سلطان ابراهیم غزنوی از زیر خاک بیرون آورده شده عبارت از کدام مدرسه یا دانشگاهی بوده و نه کدام قصر یا چیز دیگر. زیرا وضع حویلی سنگ فرش، حجره ها، ایوان ها، محل وضو و غسل طلاب، کتابخانه و صفه مناظره و مباحثه بیشتر وجود یک مرکز تحصیلی را تأیید میکند. پیدا شدن پارچه های بت های سومنات در حوالی رهرو و دروازه بنا هم مؤید این نظریه است زیرا این گونه بتان را یا در سر راه مسجد عروس الفلک و یا سر راه مدرسه انداخته بودند تا نمازگذاران و طلاب از روی آن عبور کنند.

قراریکه در تاریخ عتبی مذکور است، محمود مدرسه ئی در غزنی بنا گذاشته بود که در آن طلاب به تعداد زیاد تحصیل میکردند و از خود کتابخانه ئی داشت. آیا بنا مکشوفه همان مدرسه ایست که از طرف محمود بنا شده بود؟ یا کدام مدرسه و دانشگاه دیگر؟ جواب قطعی این سوال هنوز پیش از وقت است ولی اینقدر معلوم میشود که بنا اصلاً در عصر سلطان محمود صورت گرفته و بعد در زمانه های سلطان ابراهیم و حتی پسرش مسعود سوم موجود بوده و مرمت کاری شده است.

2/ دلو 1338/